

## A Scientometric Analysis of Indigenous Futures Studies in Iranian scientific Journals

Ali karami<sup>1</sup>, Omid Voghofi<sup>2</sup>, Ebrahim Hajjani<sup>3</sup>

1. Futures studies goup, Hazrate vali-e-asr, Research instittue, Imam hossein comprehensive university, Tehran, Iran (corresponding author). E-mail: [ali.karami@ihu.ac.ir](mailto:ali.karami@ihu.ac.ir)
2. Futures studies goup, Hazrate vali-e-asr, Research instittue, Imam hossein comprehensive university, Tehran, Iran. E-mail: [voghofi@ihu.ac.ir](mailto:voghofi@ihu.ac.ir)
3. Associate Professor and Director of the Socio-Cultural Research Department, Baqir-ul-Ulum University, Qom, Iran. E-mail: [ebhajjani@gmail.com](mailto:ebhajjani@gmail.com)

### Article Info

**Article type:**  
Research

**Article history:**

Received: 2025/09/30

Received in revised:

2025/11/06

Accepted: 2025/12/16

Available online: 2026/01/27

**Keywords:**

Scientometrics, Indigenous, Futures Studies, Islamic futures studies, VOSviewer, Co-authorship Network, Keyword Co-occurrence Analysis.

### ABSTRACT

**Objective:** Interdisciplinary futures studies is a scholarly endeavor that plays a central role in identifying macro-level trends, managing uncertainty, and supporting strategic decision-making. In recent decades, significant intellectual efforts have been made to indigenize and contextualize futures methodologies and theories. However, a clear gap remains in the form of a structured, network-based bibliometric analysis of Persian-language publications in the field of indigenous and Islamic futures studies—particularly one capable of visually and quantitatively mapping key actors, conceptual clusters, and research gaps. Addressing this gap is the primary aim of the present study.

**Methodology:** This study, employing a descriptive-analytical approach and utilizing scientometric methods, investigates the conceptual structure as well as the co-authorship and co-word networks within the Persian-language literature on indigenous and Islamic futures studies. Research data were collected, first, through systematic searches in specialized futures studies journals and, subsequently, through major Persian indexing databases such as NoorMags, MagIran, SID, IranDoc, and Google Scholar. Out of an initial set of 140 identified articles, 86 studies were selected for final analysis following content screening and were examined using VOSviewer for network mapping.

**Finding:** The findings indicate that a considerable portion of the literature is concentrated on general themes in futures studies, whereas foundational domains—including the epistemology, ontology, anthropology, and even methodology of futures studies—occupy only a marginal place in the scientific output. Only a limited number of publications have explicitly addressed these essential components. The co-authorship map shows that Imam Hossein Comprehensive University plays a central institutional role in producing and disseminating scholarship in this field, with certain authors—most notably Mohammad Rahim Ayouzi—occupying key positions within the network. Nevertheless, the collaboration pattern is predominantly intra-cluster, and inter-cluster linkages remain weak, reflecting the formative and relatively insular nature of this field in Iran. The co-word analysis further reveals five major conceptual clusters: systematic futures studies, Islamic sciences and future-oriented thought, critical paradigms and indigenous knowledge, Mahdist teachings and theological interpretations of the future, and, finally, philosophical foundations such as normative values and ontological inquiry.

**Result:** Overall, the evidence suggests that, despite its quantitative expansion, indigenous futures studies in Iran remains at an early developmental stage in terms of conceptual integration and network connectivity. Advancing this domain requires moving beyond conceptual superficiality toward deeper theoretical engagement, strengthening interdisciplinary collaboration, expanding inter-cluster communication, and investing strategically in foundational research aligned with the cultural and epistemic context of the Islamic Republic of Iran. The results of this study can inform research policy-making, guide priority-setting for academic support, and contribute to the redesign of educational programs in the field of indigenous futures studies. Finally, based on the scientometric analysis, several recommendations are offered concerning the enhancement of interdisciplinary collaboration, the reinforcement of theoretical and conceptual frameworks, the promotion of indigenous knowledge production, and the strategic role of scientific and cultural institutions.

**Cite this article:** karami, Ali; Voghofi, Omid; Hajjani, Ebrahim (2026). A Scientometric Analysis of Indigenous Futures Studies in Iranian scientific Journals, *Applied Scientometric Studies*, 2(4), 108 - 126. <https://doi.org/10.22091/apss.2026.14031.1063>



© Author(s) retain the copyright and full publishing rights.

**Publisher:** University of Qom.

**DOI:** <http://doi.org/10.22091/apss.2026.14031.1063>

## تحلیل علم‌سنجی آینده‌پژوهی بومی-اسلامی در مجلات علمی ایران

علی کریمی<sup>۱</sup>، امید وقوفی<sup>۲</sup> و ابراهیم حاجیانی<sup>۳</sup>

۱. گروه آینده‌پژوهی، پژوهشکده حضرت ولی عصر(عج)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران (نویسنده مسئول). رایانامه: [ali.karami@ihu.ac.ir](mailto:ali.karami@ihu.ac.ir)
۲. گروه آینده‌پژوهی، پژوهشکده حضرت ولی عصر(عج)، دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. رایانامه: [voghofi@ihu.ac.ir](mailto:voghofi@ihu.ac.ir)
۳. دانشیار و مدیر گروه پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، قم، ایران. رایانامه: [ebhajiani@gmail.com](mailto:ebhajiani@gmail.com)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p><b>نوع مقاله:</b> مقاله پژوهشی.</p> <p><b>تاریخچه مقاله:</b></p> <p><b>تاریخ دریافت:</b> ۱۴۰۴/۰۷/۰۸</p> <p><b>تاریخ بازنگری:</b> ۱۴۰۴/۰۸/۱۵</p> <p><b>تاریخ پذیرش:</b> ۱۴۰۴/۰۹/۲۵</p> <p><b>تاریخ انتشار:</b> ۱۴۰۴/۱۱/۰۷</p> <p><b>کلیدواژه‌ها:</b> علم‌سنجی، آینده‌پژوهی، مقاله پژوهشی، آینده‌پژوهی اسلامی، وی.ا.اس. ویبور، شبکه هم‌نویسندگی، تحلیل واژگان کلیدی.</p>	<p><b>هدف:</b> آینده‌پژوهی دانشی میان‌رشته‌ای است که در شناسایی روندهای کلان، مدیریت عدم قطعیت و پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های راهبردی نقش محوری دارد. طی دهه‌های اخیر کوشش‌های فکری برای بومی‌سازی نظریه‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی پدید آمده است. عدم وجود یک تحلیل علم‌سنجی ساختاری و شبکه‌ای از تولیدات فارسی در حوزه آینده‌پژوهی بومی و اسلامی که بتواند بازیگران کلیدی، خوشه‌های مفهومی و خلأهای پژوهشی را به صورت کمی و بصری نشان دهد، کاملاً مشهود می‌باشد. از این رو این مقاله در پی پاسخ به این مهم است.</p> <p><b>روش‌شناسی:</b> این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با بهره‌گیری از روش‌های علم‌سنجی، به تحلیل ساختار مفهومی و شبکه هم‌نویسندگی، هم‌واژگان ادبیات فارسی «آینده‌پژوهی بومی و اسلامی» می‌پردازد. داده‌های پژوهش در وهله اول جست‌وجوی در فصلنامه‌های تخصصی آینده‌پژوهی و در مرتبه دوم، پایگاه‌های نمایه‌سازی مقالات فارسی زبان مانند نورمگز، مگیران، اس.آی.دی، ایرانداک، و گوگل اسکالر گردآوری شد. از میان ۱۴۰ مقاله اولیه شناسایی شده، ۸۶ مقاله پس از پالایش محتوایی برای تحلیل نهایی انتخاب و با استفاده از نرم‌افزار وی.ا.اس ویبور تحلیل شبکه‌ای شد.</p> <p><b>یافته‌ها:</b> یافته‌ها نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از آثار بر مباحث عام آینده‌پژوهی تمرکز داشته و در مقابل، حوزه‌های بنیادینی چون معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، و انسان‌شناسی و حتی روش‌شناسی آینده‌پژوهی سهم اندکی در تولیدات علمی داشته‌اند؛ به گونه‌ای که تنها تعداد محدودی از مقالات به این مانی پرداخته‌اند. نقشه هم‌نویسندگی بیانگر آن است که دانشگاه جامع امام حسین(ع) نقش محوری در تولید و انتشار ادبیات این حوزه دارد و برخی نویسندگان، از جمله محمدرحیم عیوضی، در جایگاه گره‌های مرکزی شبکه قرار گرفته‌اند. با وجود این، الگوی همکاری‌ها بیشتر درون‌خوشه‌ای است و پیوندهای میان‌خوشه‌ای ضعیف بوده که نشان‌دهنده مرحله تکوینی و تا اندازه‌ای جزیره‌ای این حوزه در ایران است. تحلیل هم‌رخدادی واژگان نیز پنج خوشه مفهومی اصلی را آشکار ساخت، آینده‌پژوهی نظام‌مند، علوم اسلامی و آینده‌اندیشی، پارادایم‌های انتقادی و دانش بومی، آموزه‌های مهدوی و تبیین‌های الهیاتی آینده و در نهایت، بنیان‌های فلسفی نظیر ارزش‌های هنجاری و مباحث هستی‌شناختی.</p> <p><b>نتیجه‌گیری:</b> برآیند شواهد نشان می‌دهد که حوزه آینده‌پژوهی بومی در ایران، علی‌رغم رشد کمی، از منظر پیوندهای معرفتی و شبکه‌ای همچنان در مرحله تکوین قرار دارد. ارتقای این حوزه مستلزم عبور از سطح گرایی مفهومی و حرکت به سوی تعمیق نظری، تقویت تعاملات میان‌رشته‌ای، گسترش ارتباطات میان‌خوشه‌ای، و سرمایه‌گذاری هدفمند بر مباحث بنیادین متناسب با زمینه فرهنگی و معرفتی جمهوری اسلامی ایران است. از نتایج حاصل می‌تواند برای سیاست‌گذاری پژوهشی، تعیین اولویت‌های حمایت علمی، و بازآرایی برنامه‌های آموزشی مرتبط با آینده‌پژوهی بومی بهره گرفته شود. در نهایت نیز مبتنی بر تحلیل علم‌سنجی انجام‌شده پیشنهاداتی در سرفصل‌های گسترش تعامل میان‌رشته‌ای، تقویت چارچوب‌های نظری و مفهومی، تمرکز بر تولید دانش بومی، و نقش‌آفرینی نهادهای علمی و فرهنگی ارائه شد.</p>

**استناد:** کریمی، علی؛ وقوفی، امید؛ حاجیانی، ابراهیم (۱۴۰۴). تحلیل علم‌سنجی آینده‌پژوهی بومی-اسلامی در مجلات علمی ایران. *مطالعات کاربردی علم‌سنجی*، ۲



<https://doi.org/10.22091/apss.2026.14031.1063>، (۴)، ۱۰۸-۱۲۶

© نویسنده‌گان

ناشر: دانشگاه قم.

## ۱. مقدمه

آینده‌پژوهی دانشی میان‌رشته‌ای است که در شناسایی روندهای کلان، مدیریت عدم قطعیت، و پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های راهبردی نقش محوری دارد. این دانش با تلفیق بینش نظری، تحلیل سیستمی، و تفکر خلاق بستری برای طراحی سناریوها و انتخاب گزاره‌های آینده‌پذیر فراهم می‌آورد. (بل<sup>۱</sup>، ۲۰۰۳) در عین حال، طی دهه‌های اخیر کوشش‌های فکری برای بومی‌سازی نظریه‌ها و روش‌های آینده‌پژوهی پدید آمده است. آینده‌پژوهی بومی بر این اصل تأکید دارد که هر چارچوب تحلیلی باید با واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی، اجتماعی، و ارزشی جوامع محلی هم‌خوان باشد. (ض. سردار<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰) هم‌زمان، گرایش به «آینده‌پژوهی اسلامی» به‌مثابه جریان فکری‌ای که می‌کوشد مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناسی، و انسان‌شناسی اسلامی را در ساختار تحلیل‌های آینده وارد کند، در کانون توجه پژوهشگران مسلمان قرار گرفته است. (باقری و نظری، ۲۰۱۸)

با وجود رشد کمی تولیدات فارسی در موضوعات مرتبط با آینده‌پژوهی بومی و اسلامی، بررسی‌های موجود بیشتر توصیفی و سیاقی‌اند و کمتر به تحلیل ساختاری، شبکه‌ای، و علم‌سنجی میدان پرداخته‌اند. به‌عبارت دیگر:

۱. انتشار مقالات و کتاب‌ها در این حوزه انجام شده، اما شناخت نظام‌مند از الگوهای هم‌نویسندگی، خوشه‌های مفهومی، و توازن نقش نهادها و مؤسسه‌ها در شکل‌گیری این دانش ناکافی است.

۲. نبود تحلیل‌های کمی-شبکه‌ای<sup>۳</sup> باعث شده است که روندهای موضوعی، نقاط تمرکز علمی، و خلأهای پژوهشی به‌طور دقیق

شناسایی نشوند. در نتیجه اولویت‌گذاری پژوهشی و سیاست‌گذاری علمی در این حوزه با اطلاعات ناکافی انجام می‌شود.

۳. همچنین مشخص نیست که تا چه اندازه مفاهیم کلیدی اسلامی (قرآنی، روایی، عقلانی) در متون فارسی آینده‌پژوهی حضور دارند و این مفاهیم چگونه در خوشه‌های فکری و شبکه‌های پژوهشی پراکنده یا متمرکز شده‌اند.

بنابراین مسئله اصلی این پژوهش آشکار است، «عدم وجود یک تحلیل علم‌سنجی ساختاری و شبکه‌ای از تولیدات فارسی در حوزه آینده‌پژوهی بومی و اسلامی که بتواند روندها، بازیگران کلیدی، خوشه‌های مفهومی و خلأهای پژوهشی را به صورت کمی و بصری نشان دهد». این کمبود اطلاعات ساختاری مانع از تدوین راهبردهای پژوهشی هدفمند، شناسایی ظرفیت‌های نهادی، و ارتقای کیفیت تعاملات بین‌المللی و بین‌رشته‌ای در این عرصه می‌شود.

## ۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت انجام این پژوهش از چند سو روشن است:

- از منظر نظری و معرفت‌شناختی: تحلیل علم‌سنجی می‌تواند ساختار دانش در حال شکل‌گیری در حیطه آینده‌پژوهی بومی و اسلامی را به صورت نظام‌مند آشکار سازد و نشان دهد چه مکتب‌ها، رویکردها، و مفاهیمی در کانون توجه قرار دارند و کدام پرسش‌ها کم‌توجه مانده‌اند. چنین تصویری زمینه‌بازفهمی و توسعه چارچوب‌های نظری مبتنی بر مبانی اسلامی را تسهیل می‌کند. (باقری و نظری، ۲۰۱۸)

1. Bell

2. Z.sardar

3. Science mapping

- از منظر روش‌شناختی و کاربردی: استفاده از ابزارهای علم‌سنجی و نرم‌افزارهایی همچون وی.ا.اس و ویور<sup>۱</sup> امکان تحلیل هم‌نویسندگی، هم‌رخدادی واژگان، و مشارکت نهادی را فراهم می‌آورد و بدین‌وسیله می‌توان نقشه‌های همکاری علمی و خوشه‌های مفهومی را ترسیم کرد. این نقشه‌ها برای سیاست‌گذاران علمی، سردبیران نشریات، و نهادهای پژوهشی ارزشمند است تا نقاط قوت، ضعف، و مسیر توسعه را ببینند. (وان اک و والتمان<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰)
  - از منظر ملی و نهادی: در ایران که اسناد بالادستی نظیر نقشه جامع علمی کشور توجه به بومی‌سازی علم را تشویق کرده‌اند، وجود داده‌های ساختاری و شماتیک درباره وضعیت پژوهش در حوزه آینده‌پژوهی بومی و اسلامی به تصمیم‌گیران کمک می‌کند منابع را هدفمند تخصیص دهند، شبکه‌های همکاری را تقویت کنند، و برنامه‌های آموزشی و پژوهشی متناسب تدوین نمایند.
  - از منظر برنامه‌ریزی پژوهشی: شناخت خوشه‌های موضوعی و مؤلفان و مؤسسه‌های مؤثر، به تعیین اولویت‌های پژوهشی، طراحی پروژه‌های مشترک، و جهت‌دهی پایان‌نامه‌ها و طرح‌های پژوهشی کمک می‌کند. همچنین شناسایی خلأهای موضوعی، مسیرهای نوآوری پژوهشی را نمایان می‌سازد.
- از این‌رو، این پژوهش با استخراج داده‌ها از پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی (نورمگز، مگیران، اس.آی.دی، آی.اس.سی) و به‌کارگیری روش‌های علم‌سنجی مبتنی بر وی.ا.اس و ویور، می‌کوشد تصویر روشنی از شبکه نویسندگان، الگوی مشارکت سازمانی، خوشه‌های مفهومی، و واژگان محوری در مقالات فارسی حوزه آینده‌پژوهی بومی ارائه دهد. نتایج مورد انتظار نه تنها به توسعه دانش نظری کمک خواهد کرد، بلکه برای سیاست‌گذاری پژوهشی، جهت‌دهی به برنامه‌های آموزشی، و تقویت تعامل بین نهادهای پژوهشی کاربردی و راهبردی خواهد بود.

### ۳. چارچوب نظری

#### آینده‌پژوهی بومی و اسلامی

آینده‌پژوهی یک علم میان‌رشته‌ای است که در تلاش است با شناسایی روندها، تحلیل داده‌های پیچیده، و پیش‌بینی سناریوهای آینده، به جوامع کمک کند تا به تصمیمات استراتژیک مؤثری دست یابند. (بل<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳) در این بین، توجه به بومی‌سازی این دانش به‌ویژه در کشورهای غیرغربی، موضوعی است که در سال‌های اخیر اهمیت زیادی پیدا کرده است. آینده‌پژوهی بومی به‌معنای انطباق مفاهیم و مدل‌های جهانی آینده‌نگاری با شرایط فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی خاص هر جامعه است. این رویکرد در صدد است تا دانش جهانی را با نیازها و ویژگی‌های خاص جوامع بومی تلفیق کند و الگویی کاربردی برای پیش‌بینی و مدیریت آینده در این جوامع ارائه دهد. (ض.سردار<sup>۴</sup>، ۲۰۱۰)

در ایران، رویکرد آینده‌پژوهی اسلامی به‌عنوان شاخه‌ای تخصصی از آینده‌پژوهی بومی شکل گرفته است. این رویکرد که از سوی پژوهشگران مسلمان و اندیشمندان حوزه علوم انسانی اسلامی برای راهیابی از انگاره‌های بنیادین علوم پیشنهاد شده، براساس اصول

1. VOSviewer  
2. Van Eck & Waltman  
3. Bell  
4. Z.Sardar

معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، و انسان‌شناسی اسلامی طراحی شده است. (باقری و نظری، ۲۰۱۸) در این رویکرد، تأکید بر استفاده از منابع دینی، چون قرآن، سنت نبوی، و عقل سلیم است تا بر مبنای آن‌ها سناریوهای آینده‌نگری طراحی شود. علاوه بر این، آینده‌پژوهی اسلامی به شدت بر نقد و چالش برانگیزی مدل‌های غربی تأکید دارد و تلاش می‌کند جایگاه خاصی برای فرهنگ، تاریخ، و ارزش‌های اسلامی در فرآیند پیش‌بینی و طراحی آینده بیابد.

### نظریه‌های علم‌سنجی و تحلیل شبکه‌های علمی

علم‌سنجی یک شاخه از مطالعات کتاب‌سنجی و یکی از مهمترین معیارها برای ارزیابی تولیدات علوم (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲: ۹۳) است که با هدف اندازه‌گیری و تحلیل روابط میان عناصر مختلف سیستم علمی (نویسندگان، سازمان‌ها، مجلات و واژگان کلیدی) توسعه یافته است. (موئد<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵) امروزه علم‌سنجی به ما امکان آگاهی از وضعیت موجود، مقایسه حوزه‌های موضوعی در دانشگاه‌ها مؤسسه‌های علمی و در سطح کلان کشورها با یکدیگر و تلاش برای ارتقاء وضعیت علمی را می‌دهد (قنبری و همکاران، ۱۴۰۲، ۹۴). علم‌سنجی را اولین بار نالیموف و مولچنکو<sup>۲</sup> معرفی کردند که حتی پس از ترجمه به انگلیسی برای پژوهشگران غربی تا اندازه‌ای ناشناخته بود. آن‌ها علم‌سنجی را به کارگیری روش‌های کمی پژوهش برای توسعه علم و به مثابه یک فرآیند اطلاعاتی تعریف کردند. (نالیموف و مولچنکو، ۱۹۷۱) به اثر آن‌ها پیش از اختراع اینترنت و با توجه به توزیع محدود چندان استقبال و استناد نشد؛ اما زمانی که مجله علم‌سنجی در سال ۱۹۷۸ چاپ شد، این اصطلاح بیشتر شناخته و استفاده شد. (گرفیلد<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷) عبارت علم‌سنجی یک کلمه ترکیبی است که از دو بخش «علم» و «سنجش» تشکیل شده که نشان‌دهنده هدف آن یعنی اندازه‌گیری برخی از جنبه‌های علم است. به عبارتی هدف کلی علم‌سنجی کسب بینش در ارتباط با توسعه‌های علمی یک حوزه خاص یا یک دامنه وسیع از موضوعات یا کل مجموعه علمی دانش است. (رنیرس و گوئرلاند<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱)

یکی از ابزارهای مهم در این زمینه، نرم‌افزار وی.ا.اس و پور است که امکان تجزیه و تحلیل داده‌های علمی و تصویری‌سازی شبکه‌های علمی را فراهم می‌آورد. (وان اک و والتمان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۰) نظریه‌های مختلف علم‌سنجی، از جمله نظریه ساخت‌یابی<sup>۶</sup> که آتونی گیدنز<sup>۷</sup> مطرح کرده است، به تحلیل ساختارهای علمی و نقش افراد در ایجاد این ساختارها پرداخته‌اند. (گیدنز، ۱۹۸۴) در این نظریه، تعاملات فردی و شبکه‌های اجتماعی در شکل‌گیری و تحکیم ساختارهای علمی نقش کلیدی دارند. در تحلیل‌های علم‌سنجی، این رویکرد به تحلیل نحوه مشارکت نویسندگان و گروه‌های علمی و همچنین چگونگی شکل‌گیری خوشه‌های دانش در حوزه‌های مختلف علمی می‌پردازد.

1. Moed
2. Nalimov & Mul'chenko
3. Garfield
4. Reniers & Goerlandt
5. Van Eck & Waltman
6. Structuration Theory
7. Antoni Giddens

از سوی دیگر، تحلیل شبکه‌های علمی با استفاده از نرم‌افزارهایی مانند وی.ا.اس و یوور به‌ویژه در تحلیل هم‌رخدادی واژگان و نویسندگان اهمیت پیدا کرده است. این تحلیل‌ها می‌توانند به شناسایی ارتباطات میان موضوعات مختلف، نویسندگان، و سازمان‌ها کمک کنند و شبکه‌های هم‌پوشانی و هم‌نویسندگی را مشخص کنند. (وان اک و والتمان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰) این روش به‌ویژه در تحلیل مقالات علمی با موضوعات بین‌رشته‌ای مانند آینده‌پژوهی بومی و اسلامی مفید است، زیرا می‌تواند ارتباطات میان موضوعات مختلف و تحوّل در دایره واژگان علمی را مشخص سازد.

چارچوب نظری این پژوهش با تلفیق دو رویکرد اصلی آینده‌پژوهی بومی و اسلامی و علم‌سنجی به تحلیل تولیدات علمی در حوزه آینده‌پژوهی بومی ایران پرداخته است. از یک سو، آینده‌پژوهی بومی و اسلامی بر پایه مبانی دینی، فرهنگی، و اجتماعی سعی در ارائه مدل‌های قابل اجرا برای پیش‌بینی آینده دارد و از سوی دیگر، تحلیل شبکه‌های علمی با ابزارهای علم‌سنجی مانند وی.ا.اس و یوور، ساختار و روند علمی این حوزه را بررسی می‌کند.

#### ۴. پیشینه پژوهش

مطالعات علم‌سنجی در حوزه مسائل فرعی آینده‌پژوهی در ادبیات فارسی در سال‌های اخیر افزایش یافته است، اما بررسی انتقادی این موارد نشان می‌دهد که بیشتر پژوهش‌ها از یک سو نقاط قوت و محدودیت مشخصی دارند که جای بازنگری نظام‌مند و عمیق‌تر را باقی می‌گذارند، از سویی دیگر نیز بر مسائل بنیادین آینده‌پژوهی توجهی نداشته‌اند و مسائل جزئی را علم‌سنجی کرده‌اند. در ادامه نگاهی به مقالاتی انداخته می‌شود که در زبان فارسی مسئله علم‌سنجی مطالعات آینده‌پژوهی را مسئله خود قرار داده‌اند.

عنوان مقاله	نویسنده(گان)	یافته‌ها
خوشه‌بندی و نگاشت روند ۴۰ ساله پژوهش‌های حوزه آینده‌نگاری	یوسفی و دیگران (۱۳۹۸)	نتایج این پژوهش نشان داده است که دو مجله آینده، و پیش‌بینی فناوری و تغییرات جامعه، تأثیرگذارترین نشریات این حوزه محسوب می‌شوند. تحلیل هم‌واژگانی مقاله نیز نشان داده که «واژه‌های تصمیم‌گیری، آینده‌نگاری شرکتی، رفتار و تغییرات اقلیمی» بیشترین تکرار را در پژوهش‌های این حوزه داشتند. همچنین افرادی همچون دلفت، ساندفورد، ساریتاش، ساپیوپنگ، کولرز، سالی، آتس و ووریک <sup>۲</sup> نویسندگان برتر این حوزه محسوب می‌شوند.
مطالعه علم‌سنجی تولیدات پژوهشی در حوزه آینده‌نگاری راهبردی	بیرانوند و دیگران (۱۳۹۹)	این مقاله با بررسی ۱۷۳۳ مقاله که در سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۲۰ منتشر شده‌اند، به این نتیجه رسیده است که آینده‌پژوهی، آینده‌نگاری راهبردی، و سناریوها سه کلیدواژه پُرکاربرد در این حوزه هستند و تحلیل شبکه کلیدواژگانی نشان‌دهنده در هم‌تنیدگی این حوزه است.
تحلیل استنادی مقالات علمی - پژوهشی آینده پژوهی در ایران	ناظمی جنابی، فاطمه و فضل، صفر (۱۴۰۰)	در این پژوهش نویسندگان، شاخص‌هایی را ارائه کرده‌اند که در حوزه‌های رویکرد و روش آینده‌پژوهی، نوع نگرش، وابستگی سازمانی، روش تأمین مالی و تحلیل محتوایی کلان، چشم‌انداز کل نگر بود که در کشور بیانگر حقیقتی بود که «تولید نوآوری و تنوع در خروجی ارکان پژوهشی» لازمه پژوهش‌های آینده‌پژوهی داخلی است.
فرتحلیل موضوعی و بررسی انتقادی پژوهش‌های میان رشته‌ای در زمینه آینده‌پژوهی	طاهری دمنه و دیگران (۱۴۰۱)	در این پژوهش، نتایج پژوهش نشان داد که مقالات بررسی‌شده در ۱۹۵ موضوع و ۳۵۰ حوزه فرعی تقسیم‌پذیر هستند. شبکه حوزه‌های با تمرکز جغرافیایی، امنیت، و آینده‌نگاری سازمانی به‌ترتیب بیشترین میزان فعالیت و حوزه‌های ورزش، مطالعات زنان و آینده حرفه کمترین میزان فعالیت در زمینه آینده‌پژوهی را داشتند.
تحلیل علم‌سنجی از مقالات آینده‌پژوهی منتشرشده در نشریات علمی ایران	ابراهیمی و اسدینیا (۱۴۰۱)	در این مقاله نویسندگان هشت خوشه موضوعی را در حوزه مطالعات آینده‌پژوهی شناسایی کردند و جایگاه آن‌ها در نمودار راهبردی مشخص کردند. خوشه «جغرافیدان‌های عاشق آینده» خوشه با مرکزیت و تراکم بالا شناخته شد. همچنین خوشه‌های «آینده‌نگاری راهبردی» و «آموزش عالی آینده‌گرا» خوشه‌های نابالغ و

1. Van Eck & Waltman

2. Delft, Sanford, Sarytash, Sapiopong, Kulers, Sally, Anz, Worick

عنوان مقاله	نویسنده(گان)	یافته‌ها
		توسعه نیافته بودند. خوشه‌های «توسعه دانشی»، «آینده دینی»، «روابط منطقه‌ای» و «وزن سنگین روش» در منطقه افول و نوظهور قرار گرفتند و خوشه «چشم انداز آی سی تی» خوشه غیرمحوری بود.
تحلیل علم‌سنجی پژوهش‌های با موضوع تصاویر آینده در معتبرترین نشریات علمی جهان	قنبری و دیگران (۱۴۰۲)	نتایج این پژوهش بیانگر این بوده است که حوزه‌های تاریخ و جامعه‌شناسی پرکاربردترین حوزه‌ها، کشور روسیه دارای بیشترین پژوهشگر، تصویر آینده، هوش مصنوعی، و علوم موضوعات ترند و افرادی همچون آرن‌گری و پتری تاپیو، ویکتور تیتو <sup>۱</sup> بیشترین پژوهش را درباره تصاویر آینده داشته‌اند.

پیشینه موجود نشان می‌دهد که پژوهش‌های علم‌سنجی در حوزه آینده‌پژوهی در ایران پایه‌های خوبی برای شناسایی الگوهای کلی فراهم کرده‌اند، اما بیشتر به سطح توصیفی اکتفا کرده و از ظرفیت بنیادین مباحث علم آینده‌پژوهی استفاده نکرده‌اند. به‌ویژه در قلمروی «آینده‌پژوهی بومی و اسلامی»، خلأ مهمی در تحلیل محتوایی-مفهومی، هم‌نوایی نظری میان متون و نیز بازنمایی نقشه مفهومی آموزه‌های اسلامی در داده‌های علمی فارسی وجود دارد.

از این‌رو، پژوهش حاضر، با تمرکز بر علم‌سنجی مقالات فارسی آینده‌پژوهی بومی و اسلامی (نمونه‌گیری از پایگاه‌های نورمگز، مگیران، اس.آی.دی) و با بهره‌گیری از تحلیل شبکه‌ای مبتنی بر وی.ا.اس ویور، قصد دارد فراتر از نقشه‌سازی صرف برود. چنین ترکیبی از رویکرد نظری و ابزار علم‌سنجی پتانسیل دارد تا شکاف‌های موضوعی و روش‌شناختی شناسایی شده را به‌طور هدفمند پر کند و نقشه‌ای عملیاتی برای جهت‌دهی پژوهش‌های آتی در این حوزه ارائه دهد.

## ۵. روش‌شناسی

فلسفه پژوهش: این مطالعه با هدف کشف شکاف‌های پژوهشی و درک عمیق از مفاهیم حوزه آینده‌پژوهی بومی و اسلامی انجام شده است، بنابراین در چارچوب فلسفه تفسیرگرایی<sup>۲</sup> قرار می‌گیرد.

رویکرد پژوهش: پژوهش از نوع توصیفی-علمی‌سنجی است و هیچ فرضیه از پیش تعیین شده‌ای مطرح نکرده است، بلکه داده‌های متنی موجود را گردآوری و از آن‌ها برای شناسایی الگوها و ساختارهای مفهومی استفاده کرده است. بنابراین رویکرد استقرایی<sup>۳</sup> انتخاب شده است. در این مطالعه نیز با بررسی علم‌سنجی مقالات فارسی منتشرشده در حوزه آینده‌پژوهی بومی و اسلامی، به‌جای آزمون فرضیه، به کشف و تبیین مفاهیم و روندهای پژوهشی پرداخته شده است.

راهبرد پژوهش: راهبرد اصلی پژوهش، تحلیل علم‌سنجی توصیفی است. در این راهبرد، با استفاده از داده‌های ثانویه به بررسی کمی تولیدات علمی در حوزه مطالعه پرداخته می‌شود تا روندها و شکاف‌های پژوهشی شناسایی شوند. این پژوهش یک مطالعه توصیفی است که هدف آن ترسیم چشم‌انداز ادبیات موضوع و آشکارسازی حوزه‌های کمترکاوش شده است. هم‌چنین تنها یک روش پژوهش به‌کار رفته است، بدین معنا که تمامی مراحل گردآوری و تحلیل داده‌ها با یک ابزار اصلی - یعنی نرم‌افزار وی.ا.اس ویور - انجام شده است.

روش جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها: جامعه آماری پژوهش شامل تمام مقالات علمی منتشرشده به زبان فارسی در زمینه مبانی آینده‌پژوهی بومی و اسلامی است (بدون محدودیت زمانی). داده‌های موردنیاز به‌صورت کاملاً ثانویه از راه جست‌وجو در پایگاه‌های

1. Arngrí, Patri Tapiu, Victor Titu

2. Interpretivism

3. Inductive Approach

داخلی گردآوری شده‌اند. منابع اصلی اطلاعاتی عبارت‌اند از: پایگاه نورمگز، مگیران، اس.آی.دی، ایرانداک، و گوگل اسکالر<sup>۱</sup> که هر یک طیف گسترده‌ای از نشریات فارسی را پوشش می‌دهند. در این مرحله، با جست‌وجو در پایگاه‌های مختلف، تعداد ۱۴۰ مقاله شناسایی شد که به‌نظر می‌رسید با موضوع پژوهش مرتبط باشند. سپس، با بررسی دقیق‌تر چکیده‌ها و کلمات کلیدی این مقالات، مقالاتی که به‌طور مستقیم به آینده‌پژوهی بومی پرداخته بودند، شناسایی و جدا شدند. در نهایت ۸۶ مقاله که مرتبط‌ترین و مفصل‌ترین تحلیل‌ها را در حوزه آینده‌پژوهی بومی ارائه می‌دادند، انتخاب و نهایی شدند. انتخاب این مقالات بر اساس معیارهای زیر انجام گرفت: پس از استخراج داده‌های کتاب‌سنجی شامل عنوان، نویسنده، کلیدواژه، و مراجع هر مقاله، تحلیل کمی و کیفی بر مبنای شبکه‌های هم‌نویسندگی و هم‌رخدادی واژگان در وی.ا.اس و یوور انجام شد. بدین صورت که با ترسیم نقشه‌های شبکه، الگوهای ارتباطی میان نویسندگان (هم‌نویسندگی) و کلیدواژه‌ها (هم‌رخدادی) شناسایی شد تا ساختار دانشی حوزه روشن شود. در این فرایند، از داده‌های ساختاریافته استخراج شده مستقیماً در وی.ا.اس و یوور استفاده شد.

افق زمانی: پژوهش حاضر از دید زمانی به صورت مقطعی<sup>۲</sup> طراحی شده است، به این معنا که داده‌ها در یک نقطه زمانی مشخص (تا زمان نگارش مقاله) گردآوری و تحلیل شده‌اند.

محدودیت‌ها: با وجود تلاش برای پوشش همه‌جانبه مقالات فارسی، محدودیت‌های مهمی وجود داشته‌اند. برای نمونه، بسیاری از مقالات علمی منتشرشده به زبان فارسی در پایگاه‌های بین‌المللی نمایه نمی‌شوند و عملاً دیده‌بانی آن‌ها دشوار است.

## ۶. یافته‌ها

همانطور که گفته شد، در این بخش، مقاله به ارائه نگاهی از تولیدات علمی مربوط به مبانی آینده‌پژوهی بومی پیرامون این محور که چه حوزه‌ها، افراد، نشریات، و سازمان‌هایی در انتشار این حوزه موضوعی سهم داشته‌اند، می‌پردازد. در اولین خروجی ارائه شده، مجموع مقالات براساس ریزموضوعات، به حوزه‌های موضوعی مختلفی تقسیم شده‌اند که پراکندگی آن‌ها در تصویر شماره ۱ به نمایش آمده است.



شکل ۱. حوزه‌های موضوعی پژوهش‌های مربوط به مبانی آینده‌پژوهی بومی

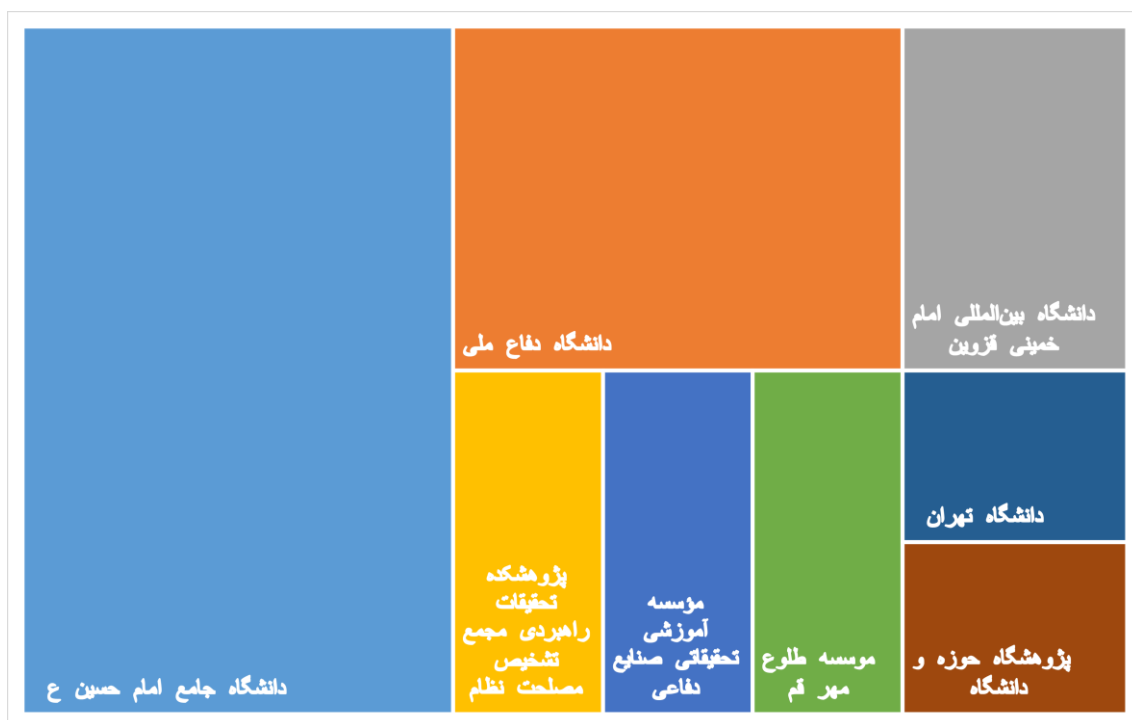
همان‌طور که مشاهده می‌شود، بیشترین میزان فراوانی مقالات، مقالاتی هستند که به‌صورت کلی مباحثی را در حوزه آینده‌پژوهی اسلامی بیان کرده‌اند و بعد از آن نوبت به مقالاتی با موضوعاتی مانند روش‌های آینده‌پژوهی، هستی‌شناسی آینده‌پژوهی، روش‌شناسی آینده‌پژوهی و... می‌رسد که در جدول زیر تعداد دقیق هر حوزه به تفکیک بیان شده است. این مهم بیانگر این است که فعالیت‌های انجام‌شده در این حوزه بیشتر به‌صورت کلی بوده است و مباحث مبانی علوم به‌صورت تفصیلی در علم آینده‌پژوهی بررسی نشده است.

جدول ۱. آمار پراکندگی مقالات احصاء شده در حوزه‌های یازده گانه

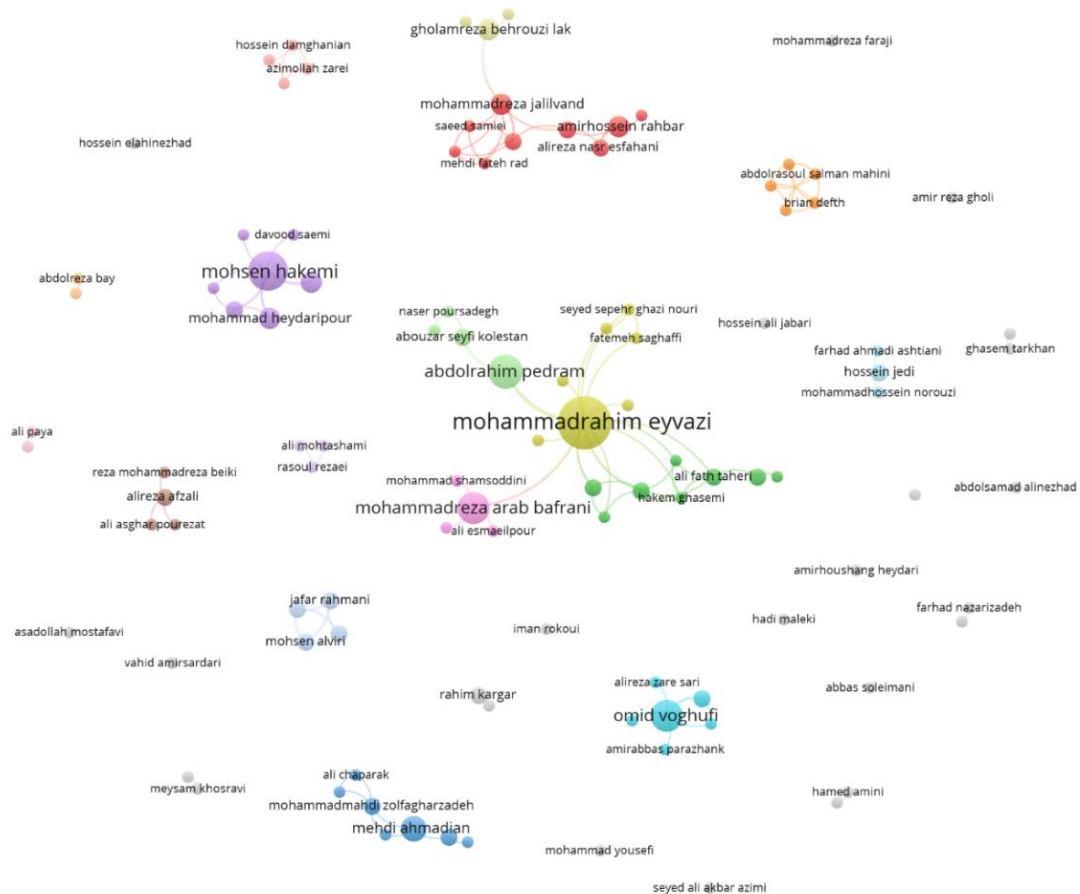
ردیف	عنوان موضوعی	تعداد
۱	معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی	۲
۲	هستی‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی	۵
۳	انسان‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی	۲
۴	روش‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی	۳
۵	مباحث مطلق در آینده‌پژوهی اسلامی	۲۸
۶	معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی	۷
۷	هستی‌شناسی آینده‌پژوهی	۱۰
۸	انسان‌شناسی آینده‌پژوهی	۰
۹	روش‌شناسی آینده‌پژوهی	۹
۱۰	روش‌های مهم آینده‌پژوهی	۱۵
۱۱	مباحث مطلق در آینده‌پژوهی	۷

با توجه به اهمیت نقش سازمان‌ها در ترویج و تولید علوم، در ادامه نمودار توزیعی این مقالات به تفکیک سازمان‌های منتشرکننده این مقالات به نمایش درآمده‌اند.

شکل ۲. سازمان‌های منتشرکننده پژوهش‌های مربوط مبنای آینده‌پژوهی بومی







شکل ۴. شبکه هم‌نویسندگی مقالات فارسی زبان

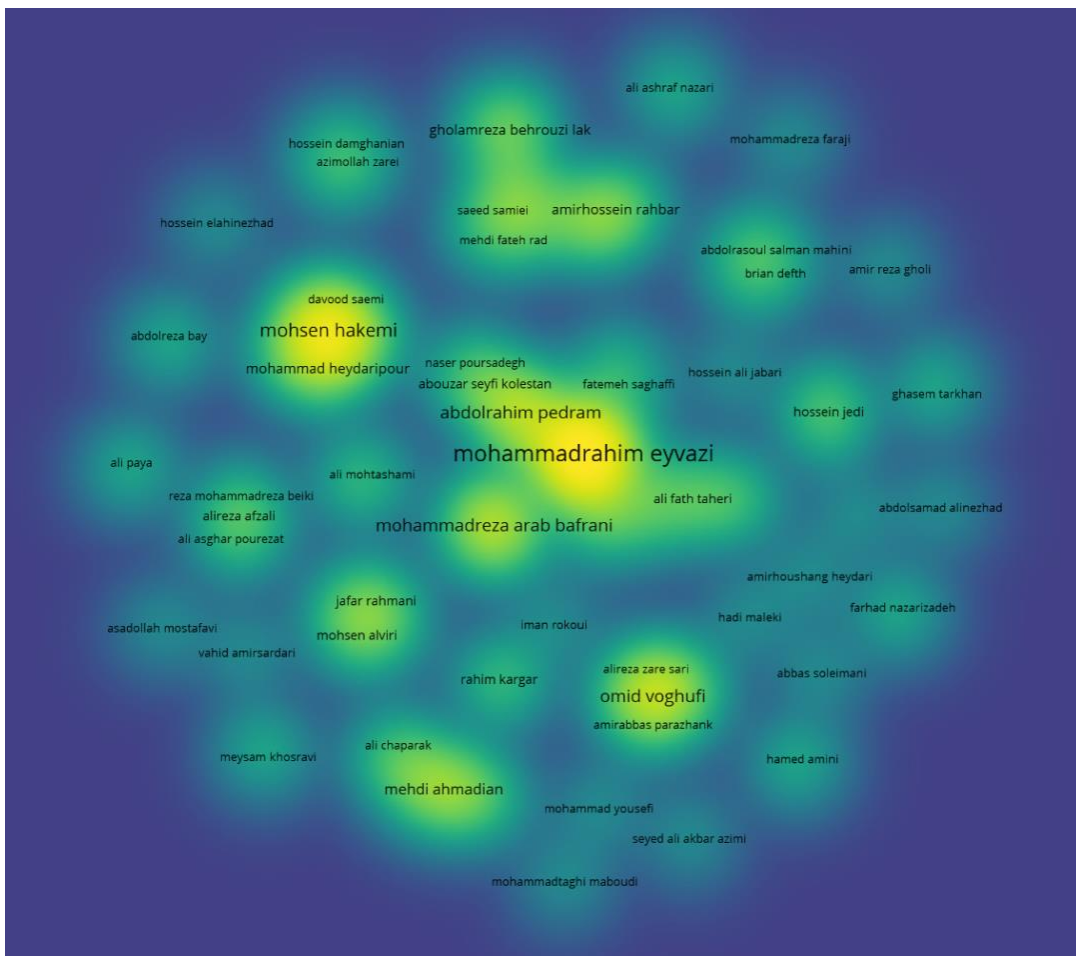
در تصویر شماره ۵، تفکیک موضوعی هم‌نویسندگان با رنگ‌های مختلف ارائه شده است. تحلیل نقشه هم‌نویسندگی پژوهشگران فعال در حوزه آینده‌پژوهی بومی اسلامی نشان می‌دهد که ساختار همکاری‌های علمی در این حوزه هنوز در حال شکل‌گیری است و یکپارچگی کامل علمی در آن مشاهده نمی‌شود. با این حال، وجود برخی گره‌های مرکزی در شبکه هم‌نویسندگی نشان می‌دهد که روندی روبه‌تثبیت در حال وقوع است.

در مرکز این شبکه، دکتر محمد رحیم عیوضی فعال‌ترین نویسنده و نقطه اتصال اصلی میان چندین نویسنده دیگر است. او نه تنها در مرکز شبکه قرار دارد، بلکه به دلیل ارتباط با نویسندگانی همچون محمدرضا عرب بافرانی، عبدالرحیم پدram، فاطمه ثقفی، ناصر پورصادقی، و ابودر سیفی کستان موفق شده خوشه‌ای پررنگ و متصل را تشکیل دهد. این نشان می‌دهد که این گروه به احتمال زیاد پیرامون یک محور سازمانی یا پژوهشی مشخص (حوزه‌های دانشگاهی هم‌سو) متمرکز بوده‌اند و از انسجام روش‌شناختی و موضوعی بهره‌مندند.

در کنار خوشه مرکزی، چند خوشه کوچک‌تر اما فعال نیز مشاهده می‌شود، از جمله گروهی به محوریت محسن حاکمی و محمد حیدری‌پور که نشان‌دهنده یک هسته پژوهشی تاندازه‌ای مستقل است. تمرکز این گروه، مطابق با تحلیل مفاهیم کلیدی، احتمالاً بر ابعاد فلسفی و هستی‌شناسی آینده‌پژوهی در بستر علوم انسانی اسلامی بوده است. گروه امید وقوفی و شبکه همکاران او گروه دیگری هستند که در عین کوچکی، شبکه فعالی را دارا هستند و بیشتر در حوزه‌های آینده‌اندیشی در ادیان و مبانی آن فعال هستند. در سوی



مشترک میان این گروه شکل گرفته و آن‌ها کم‌وبیش کانون فعالیت علمی در این حوزه هستند. نقاط میانی با تراکم متوسط اطراف نام‌هایی مانند دکتر امید وقوفی و دکتر محسن حاکمی رنگ‌های زرد و نارنجی دیده می‌شود که دلالت بر گروه‌های با همکاری متوسط دارد. این خوشه‌ها شبکه‌های فعال ولی کوچک‌تری هستند که ممکن است روی زیرموضوعات خاص یا مقالات محدودتری کار کرده باشند. حواشی سرد (کم‌تراکم)، نواحی سبز و آبی در اطراف نام‌های پراکنده‌تر مثل فرهاد نظری‌زاده و عباس سلیمانی نمایان است. این افراد تنها در پروژه‌های محدودی مشارکت داشته یا ارتباطات درون‌خوشه‌ای ضعیفی دارند، به عبارت دیگر نقش آن‌ها در شبکه هم‌نویسندگی حاشیه‌ای است.

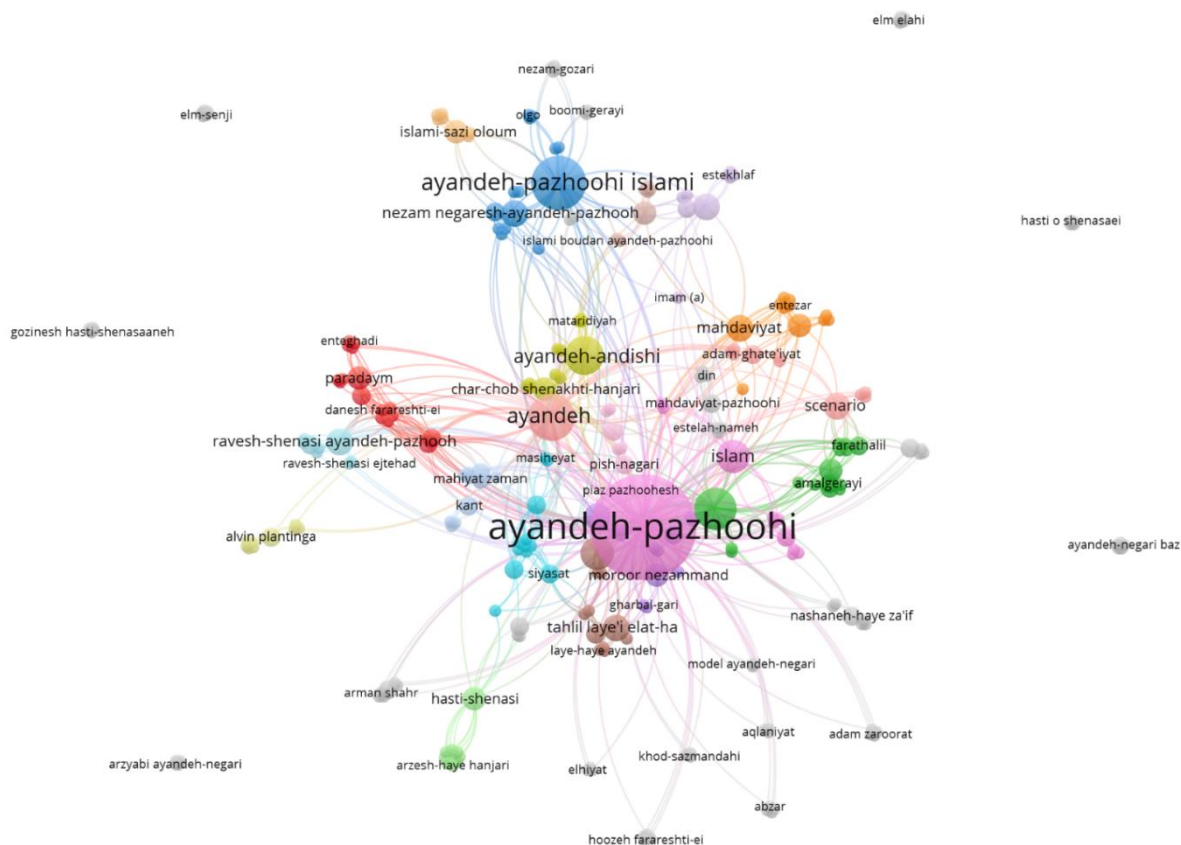


شکل ۶. نمای حرارتی هم‌نویسندگی مقالات فارسی زبان

نکته قابل توجه در شبکه آن است که تمرکز همکاری‌ها بیشتر درون‌خوشه‌ای است و تعداد ارتباطات میان‌خوشه‌ای کمتر به چشم می‌خورد. به عبارت دیگر، پژوهشگران بیشتر در چارچوب گروه‌های علمی مشخصی فعالیت کرده‌اند. این الگو می‌تواند بیانگر تخصص‌گرایی، انسجام درونی گروه‌ها، و یا محدودیت در تبادل علمی میان زیرحوزه‌های مختلف باشد. تحلیل این شبکه به شناسایی بازیگران کلیدی، میزان پراکندگی علمی، و ظرفیت‌های بالقوه برای توسعه همکاری‌های علمی کمک می‌کند.

در این پژوهش برای شفاف‌سازی ساختار مفهومی و روندهای پژوهشی در حوزه «مبانی آینده‌پژوهی»، نقشه هم‌رخدادی کلیدواژه‌ها با استفاده از نرم‌افزار وی.ا.اس ویوور تولید شد. در این نقشه هر گره نمایانگر یک کلیدواژه است که اندازه آن متناسب با

فراوانی ظهورش در متون است و خطوط اتصال بیانگر تعداد موارد مشترک هم‌رخدادی بین جفت کلیدواژه‌ها است. بر پایه الگوریتم خوشه‌بندی لوفاین، پنج خوشه اصلی شناسایی شد که به‌رغم ارتباطات متقابل، هر یک بازتاب‌دهنده یک زیرحوزه مشخص هستند. خوشه نخست، با رنگ بنفش، پیرامون واژه «آینده‌پژوهی» متمرکز است و نشان می‌دهد مطالعات کلی این حوزه بیشتر بر کاربرد روش‌های نظام‌مند در سیاست‌گذاری آینده‌پژوهی تأکید دارند. در مقابل، خوشه دومی با رنگ آبی به ترکیب «علوم و آینده‌پژوهی اسلامی» اختصاص دارد، مفاهیمی مانند نظام‌نگاری آینده و اسلامی‌سازی علوم در این گروه برجسته‌اند که بیانگر تلاش برای تدوین چارچوب‌ها و ساختارهای نظری مبتنی بر مبانی اسلامی است. خوشه سوم، به رنگ قرمز، پارادایم‌های انتقادی و دانش‌های میان‌رشته‌ای را در کانون توجه قرار داده و چارچوب‌های هنجاری و انتقادی را در تبیین مسائل آینده‌پژوهی برجسته می‌سازد. همچنین خوشه چهارم، با رنگ نارنجی، به بررسی سناریوهای آینده‌پژوهی مرتبط با آموزه‌های مهدوی و مفهوم انتظار می‌پردازد و حوزه‌ای تا اندازه‌ای مستقل را پیرامون تحلیل عدم قطعیت دینی شکل می‌دهد. در نهایت، خوشه پنجم، به رنگ سبز کم‌رنگ، به بحث‌های هستی‌شناسانه و ارزش‌های هنجاری اختصاص دارد که بنیان‌های فلسفی و اخلاقی آینده‌پژوهی را در بر می‌گیرد.



شکل ۷. نمای هم‌رخدادی کلیدواژگان مقالات فارسی زبان



براساس تحلیل هم‌رخدادی واژگان با استفاده از نرم‌افزار وی.ا.اس. ویور، مجموعه مقالات منتشرشده در حوزه آینده‌پژوهی بومی اسلامی به چندین خوشه معنایی اصلی تقسیم شده‌اند که هرکدام نشان‌دهنده یک گرایش فکری یا رویکرد تحلیلی در این حوزه‌اند. در ادامه، مهمترین خوشه‌ها و مفاهیم مرتبط تشریح می‌شوند:

### ۱. خوشه مفهومی مرکزی (بنفش): آینده‌پژوهی به مثابه نظام تحلیلی

در مرکز نقشه، کلیدواژه اصلی «آینده‌پژوهی» قرار دارد که با مفاهیمی مانند «تحلیل لایه‌ای علت‌ها»، «نشانه‌های ضعیف»، «مرور نظام‌مند»، و «مدل آینده‌نگری» پیوند دارد. این خوشه نشان‌دهنده گرایش به استفاده از روش‌های ساختاریافته و نظام‌مند برای مطالعه آینده است. مفاهیم وابسته به این خوشه بیشتر بر رویکردهای سیستمی، ساخت مدل و تحلیل وضعیت‌های پیچیده متمرکزند.

### ۲. خوشه مفهومی ارزشی و فرهنگی (سبز): آینده‌پژوهی متکی بر ارزش‌ها

این خوشه شامل واژگانی نظیر «ارزش‌های هنجاری»، «هستی‌شناسی»، «آرمان‌شهر»، و «آمل‌گرایی» است. محتوای این بخش از نقشه نمایانگر تأکید بر لزوم توجه به مبانی فلسفی، ارزشی، و فرهنگی در آینده‌پژوهی است. این گرایش تلاش دارد آینده‌پژوهی را با محتوا و دغدغه‌های بومی و ارزشی سازگار کند.

### ۳. خوشه پارادایمی و معرفت‌شناختی (قرمز): نقد و بازاندیشی در مبانی علم

در این خوشه، کلیدواژه‌هایی چون «پارادایم»، «نقد»، «دانش فرازوشی»، و «چارچوب‌های شناختی - هنجاری» دیده می‌شود. این گروه به‌طور مستقیم به نقد رویکردهای رایج غربی در آینده‌پژوهی می‌پردازد و بر نیاز به تولید دانش آینده‌پژوهی بومی شده براساس معرفت‌شناسی اسلامی تأکید دارد.

### ۴. خوشه دینی - الهیاتی (نارنجی): پیوند با آموزه‌های اسلامی و مهدویت

در این گروه، کلیدواژه‌هایی همچون «مهدویت»، «انتظار»، «عدم قطعیت»، «دین»، و «آینده‌اندیشی» قرار دارند. این خوشه بازتاب‌دهنده تلاش پژوهشگران برای هم‌راستا کردن آینده‌پژوهی با آموزه‌های دینی، به‌ویژه تفکر مهدوی است و به کاربردی‌سازی مفاهیم الهیاتی در ترسیم آینده مطلوب می‌پردازد.

### ۵. خوشه آینده‌پژوهی اسلامی (آبی): ساخت نظام فکری بومی - اسلامی

این خوشه دارای واژگانی مانند «آینده‌پژوهی اسلامی»، «نظام‌نگرش آینده‌پژوه»، و «اسلامی‌سازی علوم» است. حضور این مفاهیم بیانگر شکل‌گیری یک گفتمان علمی پیرامون طراحی یک چارچوب بومی برای آینده‌پژوهی اسلامی است. این گفتمان به دنبال بنیادگذاری نظری، روش‌شناسی، و کاربردهایی است که با ساختارهای معرفتی و فرهنگی اسلامی سازگار باشند.

### ۶. واژگان حاشیه‌ای و مستقل

برخی واژگان مانند «علم‌الهی»، «انتخاب هستی‌شناسانه»، و «علم‌سنجی» به‌صورت جداگانه و بدون ارتباط خوشه‌ای قوی دیده می‌شوند. این واژگان ممکن است یا به دلیل تعداد کم تکرار یا کاربرد خاص، در مرکزیت تحلیل قرار نگرفته باشند، اما می‌توانند مسیرهای پژوهشی تازه‌ای را پیشنهاد دهند.



ملاحظات انسان‌شناختی). این خوشه‌بندی نشان‌دهنده گرایش‌های غالب موضوعی است و در عین حال ضعف در هم‌افزایی میان حوزه‌های مختلف را نمایان می‌سازد.

یافته‌ها بیانگر آن است که بیشترین تمرکز مقالات بر موضوعات کلی آینده‌پژوهی اسلامی بوده و مباحث بنیادینی مانند هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و انسان‌شناسی آینده‌پژوهی به‌خوبی پوشش داده نشده‌اند. به‌طور خاص، تنها دو مقاله به مسئله معرفت‌شناسی آینده‌پژوهی اسلامی، پنج مقاله به مباحث هستی‌شناسی، و دو مقاله به انسان‌شناسی آینده‌پژوهی پرداخته‌اند. این نبود تعادل مفهومی - که در ۲۸ مقاله با عناوین کلی بروز یافته - نشان‌دهنده نبود چارچوب نظری یکپارچه در ادبیات موجود و پراکندگی محتوایی است.

در مجموع، گرچه تولیدات علمی در زمینه آینده‌پژوهی بومی به لحاظ کمی افزایش یافته، ساختار علمی این حوزه هنوز در حال تکوین است و از انسجام نظری، مفهومی، و شبکه‌ای کافی برخوردار نیست. تمرکز گسترده بر مفاهیم کلی به‌جای مبانی مشخص، زمینه ساز شکل‌گیری «جزیره‌های تحقیقاتی» با پیوندهای محدود شده است. با این حال فرصت قابل توجهی برای گسترش تعامل میان‌رشته‌ای و هم‌پوشانی نظری وجود دارد. بر این اساس، لازم است سیاست‌گذاران علمی و پژوهشگران با طراحی مسیرهای هم‌افزایانه این خلأها را پر کنند.

## ۸. پیشنهادها

- **گسترش تعامل میان‌رشته‌ای:** تعریف پروژه‌های پژوهشی مشترک میان رشته‌های مختلف آینده‌پژوهی (به‌ویژه ادغام علوم انسانی با مطالعات اسلامی و دینی) تا ارتباط شبکه‌ای میان زیرحوزه‌ها تقویت شود. ایجاد صندوق‌های پژوهشی میان‌رشته‌ای یا کنسرسیوم‌های علمی با حمایت وزارت علوم و دانشگاه‌ها می‌تواند زمینه را برای هم‌گرایی فکری و تبادل روش‌ها فراهم آورد.
- **تقویت چارچوب‌های نظری و مفهومی:** تدوین چارچوب‌ها و مبانی روشن در حوزه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، و انسان‌شناسی آینده‌پژوهی ضروری است. در این راستا توجه به آموزه‌ها و چشم‌اندازهای اسلامی - ایرانی می‌تواند اساس شکل‌گیری الگوهای نظری بومی و مستقل را فراهم کند. گردهمایی‌های تخصصی و انتشار کتاب‌های مرجع در این زمینه به انسجام بیشتر کمک می‌کند.
- **تمرکز بر تولید دانش بومی:** تشویق انتشار مقالات و منابع آموزشی به زبان فارسی و مبتنی بر ارزش‌ها و نیازهای اجتماعی - فرهنگی ایران به غنی‌سازی گفتمان آینده‌پژوهی بومی کمک می‌کند. تأکید بر نقد الگوهای غربی و ترویج روش‌های مبتنی بر واقعیت‌های بومی، استقلال علمی حوزه را افزایش خواهد داد.
- **نقش آفرینی نهادهای علمی و فرهنگی:** دانشگاه جامع امام حسین (ع) و پژوهشکده‌های تخصصی می‌توانند با ایجاد مراکز و دفاتر مشترک آینده‌پژوهی، برگزاری همایش‌ها، و دوره‌های آموزشی، و تشویق همکاری میان گروه‌ها، رهبری این حوزه را بر عهده گیرند. همچنین شورای عالی انقلاب فرهنگی و وزارت علوم با تدوین سیاست‌های کلان و برنامه‌های راهبردی (مانند تعیین اولویت‌های پژوهشی بنیادین آینده‌پژوهی)، پیوند عمیق‌تری بین مباحث نظری آینده و سیاست‌گذاری فرهنگی - علمی کشور برقرار کنند.

به‌طور کلی، اجرای این راهکارها می‌تواند به هم‌گرایی بیشتر پژوهش‌های آینده‌پژوهی بومی، ارتقای کیفیت نظری و شبکه‌ای آن‌ها، و در نهایت به تقویت تولید دانش منطبق با ارزش‌های جمهوری اسلامی ایران منجر شود.

### فهرست منابع

- Bagheri, K., & Nazari, M. (2018). Islamic futures studies: Foundations and prospects. *Journal of Futures Studies*, 22(4), 1–14. [https://doi.org/10.6531/JFS.201806\\_22\(4\).0001](https://doi.org/10.6531/JFS.201806_22(4).0001). [In Persian]
- Beiranvand, M., Sefi Kalestani, A., & Eyvazi, M. (2020). A bibliometric study of research outputs in the field of strategic foresight. *Defensive Futures*, 5(19), 133–147. <https://doi.org/20.22034/dfs.2021.520571.1447>. [In Persian]
- Bell, W. (2003). *Foundations of futures studies: Human science for a new era* (Vol. 1). Transaction Publishers.
- Ebrahimi, F., & Asadnia, A. (2022). Bibliometric analysis of future studies research published in Iranian scientific journals. *Defensive Futures*, 7(27), 35–62. <https://doi.org/10.22034/dfs.2023.60108.1634>. [In Persian]
- Garfield, E. (2007). From the science of science to scientometrics: visualizing the history of science with HistCite software [www.garfield.library.upenn.edu.com](http://www.garfield.library.upenn.edu.com)
- Giddens, A. (1984). *The constitution of society: Outline of the theory of structuration*. University of California Press.
- Moed, H. F. (2005). y the Visualizing :Scientometrics to Science of Science The From . *Citation analysis in research evaluation*. Springer.
- Nalimov, V., & Mul'chenko, Z. M. (1971). Measurement of science: Study of the development of science as an information process. *Soviet Journal of Information Science*, 1(2), 45–67.
- Nazemi Janabi, F., & Fazli, S. (2021). Citation analysis of scientific research articles in futures studies in Iran. *Islamic Revolution Futures*, 2(2), 35–55. [In Persian]
- Qanbari, M., Voghofi, O., & Hajiani, E. (2023). Bibliometric analysis of future imagery research in the most prestigious scientific journals worldwide. *Journal of Cultural Strategic Studies*, 3(4), 89–109. [In Persian]
- Reniers, S & Goerlandt, F (2021). An overview of scienometric mapping for the safety science commity: methods, tools and framework. *Safety science*, 134, 105093.
- Sardar, Z. (2010). The namesake: Futures; futures studies; futurology; futuristic; foresight—What's in a name?. *Futures*, 42(3), 177–184. <https://doi.org/10.1016/j.futures.2009.11.001>
- Taheri Damneh, M., Zakari, A., & Asadnia, A. (2022). Thematic meta-analysis and critical review of interdisciplinary research in futures studies. *Interdisciplinary Studies in the Humanities*, 14(3), 49–86. <https://doi.org/20.22035/isih.2022.4817.4719>. [In Persian]
- Van Eck, N. J., & Waltman, L. (2010). Software survey: VOSviewer, a computer program for bibliometric mapping. *Scientometrics*, 84(2), 523–538. <https://doi.org/10.1007/s11192-009-0146-3>
- Yousefi Kharayim, M., Ghasemi, H., Darvishi Se Talaani, F., Kashavarz Tork, A., & Musa Khani, M. (2020). Clustering and mapping the 40-year trend of foresight research. *Management Foresight*, 119(30), 1–25. [In Persian]